

## اعتصاب قهرمانانه و یکپارچه کارگران ذوب آهن وارد سومین هفته خود شد.

ذوب آهن :  
اصفهان - اعتصاب قهرمانانه و یکپارچه کارگران ذوب آهن وارد سومین هفته خود شد.  
دو هفته پیش کارگران بخش ساختمانی ذوب آهن در اعتراض به سیاستهای ضد کارگری رژیم دست به اعتصاب زدند. پس از گذشت یک هفته از شروع اعتصاب کارگران دیگر بخش‌های ذوب آهن به حمایت از همکاران خود پرداختند. اعتصاب سرعت در کارخانه گسترش یافت. هزاران کارگر دست از کار

کشیده و به اعتصاب پیوستند. رژیم هراسان از اتحاد کارگران - مزدوران خود را برای سرکوب به محوطه ذوب آهن فرستاد. اما مقاومت کارگران - آنها را به عقب نشینی مفتضحانه‌ای وادار کرد. تاکنون کارگران چندین کارخانه و مجتمع صنعتی به حمایت از کارگران قهرمان ذوب آهن برخاسته‌اند. اخبار این مبارزات در سراسر جهان و از طریق رادیوها و تلویزیون‌ها وسیعاً انتشار یافته است.



## جنبش کارگری

تولید دارو

### "مسئله حجاب" وسیله‌ای برای انحراف مبارزات کارگران!

بیسکویت کرجی

اکثریت کارگران ضمن اعتراض به این مساله با این پاسخ که "همین روسری طرحه ایرادی دارد که مقهعه بزنیم؟" در هوای گرم تابستان و توی گرمای کارخانه نمی‌توانیم مقهعه بزنیم" و "موق کار می‌خواهیم راحت باشیم". از مقهعه زدن خودداری کردند. در پی این اعتراض کارگران زن، مساله تا اوایل مهرماه مسکوت ماند. تا اینکه در روز چهارشنبه ۱۱ مهرماه اطلاعیه‌ای مبنی بر اینکه "کلیه خواهران در روز یکشنبه ۱۵ / ۷ / ۱۳۶۳ بجای روسری بایند از مقهعه استفاده نمایند. در غیر اینصورت سرپرست قسمت از کار ایشان جلوگیری خواهد نمود." بقیه در صفحه ۲.

طبق قوانین شرکت، کارگران منتقل باید هر ۲ یا ۳ سال یکبار عنوان و پایه جدید بگیرند و مبلغی بمحقوقشان اضافه شود. اما این قانون هم وسیله‌ای شده برای استثمار بیشتر و تحت فشار قرار دادن کارگران. بدین صورت که اگر کسی چایلوسی و جاسوسی کرد و تعلق آنها را کشید و در مقابل زورگوییهای آنان لام تا کام حرف نزد قانون! آرا برایش اجرامی کنند و غیر اینصورت هزاربانه می‌آورند تبعیض قائل میشوند و هزاران ماده "جسوروا - جور برایش می‌تراشند تا هرچه ممکن است این عنوان را در برترید هند و پولش را به جیب سرمایه داران و دولت استثمارگران سرازیر کنند. در حال حاضر این عنوان‌ها در بعضی موارد بین ۴ تا ۵ سال طول می‌کشد. تازه برای کارگران زن وضع از این هم وخیم‌تر است. از آنجائی که کارگران زن کمتر اعتراض می‌کنند و این عنوان‌ها ۶ تا ۷ سال نیز طول میکشد و برای بسیاری از کارگران که حدود ۴ سال سابقه کار و یا بیشتر دارند و قرار بوده برای آنها عنوان جدید بیاید به بهانه‌هایی مثل بیسوادى و کم سوادى و خوب کار نکردن عنوان جدید داده نشده. در بعضی بخش‌ها از جمله بخش ۱۶ و بخش ۲ عسده زیادى از کارگران با وجود داشتن شرایط [حتماً] هم سواد بقیه در صفحه ۳

## اتحاد ضامن پیروزی است!

کروه صنعتی رنا

اخیراً محمدزاده یکی از اعضای هیات مدیره شرکت تصمیم می‌گیرد کارگری را اخراج نماید که انجمن اسلامی در حمایت! از کارگر با محمدزاده درگیری پیدا کرده، طراح این درگیری، خوش‌صفت عضو دیگر هیات مدیره (خوش‌صفت با محمدزاده بر سر قدرت در کارخانه رقابت دارند) و رئیس روابط عمومی

انجمن‌های اسلامی گروه بود که میخواست با قرار دادن انجمن اسلامی در مقابل محمدزاده هم اعمال قدرت در هیات مدیره کرده باشد و هم توجه کارگران را به انجمن اسلامی جلب نماید زیرا بخوبی دریافته است که اگر در چنین مواردی انجمن به حمایت از کارگران نپردازد خود بخود ضرورت وجودی انجمن منتفی است (که علیرغم همه این تلاشها کارگران ضرورت آنها را این لانه‌های جاسوسی را در مبارزات خود رقم زدند) . بقیه در صفحه ۳

### حرفهای مردم...

در صفحه ۲

کمیته‌های مخفی اعتصاب را برای برپائی یک اعتصاب عمومی سیاسی ایجاد کنیم

مسالده حجاب وسیله ای.....

با اعضاء مدیر کارخانه روی تابلوی اعلانات کارگاه و در ورودی کارخانه نصب کردند. اما با این تهدید نیز کارگران از موضع خود عقب ننشسته و از انجام حجاب تحمیلی سر باز زدند و در روز مقرر همانند گذشته با پوشش معمولی خود سر کار حاضر شدند، و مسئولین با تهدید هیچ کاری از پیش نبردند. بعد از گذشت يك هفته از روز تعیین شده، رئیس کارگزینی کارخانه که رابطه نزدیکی با مدیرعامل شرکت دارد در روزدوشنبه ۲۳/۷/۶۳ به میان کارگران زن شیفت ۲ بعد از ظهر که جلوی در ورودی کارگاه جمع بودند رفته و گفت "منگر شما اطلاعیه را خواندید، سرپرستهای شما نگفته اند که باید مقععه بپندید، اگر مقععه نپندید از کار شما جلوگیری می شود. کارگران یکی پس از دیگری می گفتند "چرا شما مقععه نمی زنید؟ و میام میگوید مقععه بپندید".

رئیس کارگزینی پاسخ نداد و در ادامه بحث کارگران ضمن مطرح نمودن پاسخ گذشته خود گفتند: "ما میخواهیم موقع کار کردن راحت باشیم و اگر مقععه بزنیم نمی توانیم راحت کار کنیم. اگر نمی خواهید حساب همه ما را بکنید ما برویم". رئیس کارگزینی وقتی که اوضاع را چنین دید از میان جمع دور رفت، بعد از رفتن رئیس کارگزینی کارگران

فصد رفتن به کارگاه و سر کار خود را داشتند که سرپرست کارگاه که مزدور و جاسوس تعامل کارفرما و مدیر است جلوی کارگران را گرفت و گفت: "تامقعه نپندید، نمی گذارم به سر کار بروید". کارگران در پاسخ بطور دسته جمعی گفتند "باشد ما هم سر کار نمی رویم". و بلافاصله رفتند در کوششهای نشستند. سرپرست کارگاه وقتی که از طرفی این حرکت جمعی را از طرف دیگر عقب افتادن کار و تولید را دید بعد از ده دقیقه به جلوی جمع کارگران آمد و گفت: "بعلا بروید سر کار و از فردا مقععه بپندید". کارگران با تمسخر به او سر کار خود رفتند و مقععه و حجاب تحمیلی با مقاومت کارگران عملاً منتفی شده، حال با اینکه کارگران با پوشش ناشر یافته از ویژگیهای بومی و فرهنگی به سر کار می آیند و در موقع کار نیز با استفاده از لباس کار و زوسری پوشش خود را حفظ می کنند و از طرفی خود مدبران نیز اعتقادی به مساله حجاب ندارند پافشاری و اصرار آنها نسبت به این مساله تنها یک چیز است نبود اختن حق بهره‌وری و انحراف افکار کارگران به يك مساله فرعی یعنی حجاب.

جریان از این قرار بود که از اوائل مهرماه مساله دریافت حق بهره‌وری یا پاداش افزایش تولید از طرف کارگران مطرح می گردید تا اینکه در اوایل مهرماه، موضوع دریافت پاداش افزایش تولید به اوج خود رسید.

بطوریکه جو غالب کارخانه بر محور دریافت حق بهره‌وری در میزید، کارگران بطور فردی از مسئولین کارخانه می پرسیدند "سود

بهره‌وری را می میدهند و هر کجا که کارمند آن حسابداری را می دیدند سوالاتی از این قبیل می کردند و آنها نیز جوابهای از قبیل "تعمیرات" و "منهم مثل شما" و... می دادند. در پی این پاسخها عدم اقدام عملی مسئولین جهت پرداخت سود بهره‌وری هر روز که می گذشت سر و صدای دریافت سود، همگانی تر می شد.

انجمنکه این جو مدبران کارخانه را به همراه انداخت و از ترس اینکه این جریان منجر به اعتراض عمومی کارگران شود مساله حجاب را مطرح کردند و چون با اتحاد یکپارچه کارگران روبرو شدند اوضاع را وخیم تر از قبیل یافتند و به حسابداری دستور دادند "هرچه زودتر سود بهره‌وری را حساب کنید که صدای اعتراض کارگران بلند می شود".

کارگران باید بدانند که بیهلیل نیست، درست زمانی که پرداخت سود یا پاداش افزایش تولید شش ماهه اول مطرح است، کارفرما و مدبران مساله حجاب را عصبه کردند تا ذهن کارگران را به آن مضمحل کنند که بتوانند حاصل دسترنج کارگران را به پخما ببرند. اینگونه به انحراف کشیدن افکار کارگران از يك مساله اصلی به يك مساله فرعی دیگر برای کارگران چیز تازه ای نیست. زیرا هر روز و در جامعه شاهدند که چگونه رژیم سرمایه داری و ارتجاعی جمهوری اسلامی با عده نمودن مسائل مشابه میخواهند گرانی بیکاری، نبود مسکن، فقر، درگیری، فساد، غارتگری حکومتیان و مصیبت های بوجود آمده از جنگ ارتجاعی و... را بیوشانند.

حتما پرداخت میکنیم و کارگران ساعت ۳/۵ بعد از ظهر بر سر کار رفتند و سهشنبه و چهارشنبه هفته بعد همگی کارگران پول تأمین منافع را دریافت کردند.

کارگران از اینکه موفق به دریافت حق خود شده بودند خوشحال بودند و دریافتند که يك اعتصاب چند ساعته چه تأثیری در موفقیت شان داشته است. بطوریکه کارگران می گفتند اگر این اعتصاب چند ساعته نبود تا چند ماه دیگر هم از پول خبری نبود.

رئیس انجمن اسلامی دزد در آمد!

همچنین در این کارخانه بود نیال دزدی در شرکت تعاونی بسته شدن آن مدیر امور اداری که بسیار هم حزب الهی است و یکی از روسای انجمن اسلامی نیز می باشد بجرم دزدی در تعاونی با حکم جلب توسط ژاندارمری دستگیر شد که بلافاصله مدیونت از طریق وزارت صنایع اقدام کرده و همان روز او را آزاد کردند.

در همین رابطه کارگران بطور دسته جمعی و با صدای بلند به یکی از کارگران حزب الهی می گفتند "سید سرت سلامت، رئیس انجمن اسلامی دزد درآمد".

پس از آن...

حرفهای مردم...

کارمراه نمی افتد باید خانهات راهم بفروشی آنوقت شاید بتوانی کاری کرد. ساعت ۳/۵ بعد از ظهر مدیر امور اداری به انجا آمده و همان حرفها را تکرار می کند و قول میدهد که هفته آینده پول را

جوانی با ظاهری حزب الهی پیروزی را حاجی خطاب کرد. پیرومد به او اعتراض کرد که من حاجی نیستم. حاجی اونیه که يك تومن را صد تومن حساب می کند و ادامه داد من الان ۶ ساله که خط امام هستم. جوان که متعجب شده بود و کمی هم جا خورد بود برگشت و گفت "چطور؟ پیرومد گفت آخه ۶ ساله که تو خیا بونا از بیکاری ول می گردم، اینم خط امامه..."

با کمکهای مالی خود

سازمان را یاری رسانید



از طرفی مدبرانی صاحبکارخانه آمده بودند. از کارگری سوال کردند که تولید چقدر است و چه قطعاتی ریخته می شود؟ کارگر در جواب گفت "شرایط کار خیلی سخت است، هوا کثیف است و... بالاخره محقق کم است و... و آنها دستکارها خاموش کردند و از خیر صاحب گذشتند."

۴۰ ساعت کار، دور روز تعطیل در هفته حق مسلم کارگران است

انزلی - روسای خیران

دختران و خرابی و آوارگی  
و کشتا چند صد هزار نفر از فرزندان  
ایران مقبجه همین سیاستهای ضد مردمی  
است. در همین شرایطی، مردم بجان آمده  
از این سیاستها متردستی هستند تا نشان  
دهند که جقدر آگاهند و چه تنفزی از این رژیم  
و سیاستهای دارند.

آنچه مردم زحمتکش خیران انجام دادند  
تنها گوشه‌ای از این آگاهی و این تفر است.  
در تاریخ ۱۳۱۳/۷/۵ هنگام تشییع جنازه  
سربازی از روستای خیران بند رانزلسی  
مزدوران رژیم سعی کردند تا با برنامه‌های  
خاص خود نهایت استفاده تبلیغاتی را از  
این قربانی بی‌گناه جنگ ارتجاعی که اولین  
شهادت این ره‌سپارید بعمل آورند. ایضا  
خانواده و بستگان شهید جنازه را از آنجا  
گرفته و در خیابانهای بند رانزلی به حرکت  
درآمدند. مزدوران یا بلندگو اعلام کردند  
که فقط شمارهایی را که از بلندگو گفته‌میشود  
تکرار کنید ولی هیچکس تکرار نمی‌کرد و مردم این  
سنت گذشته خود عمل می‌کردند. مزدوران  
اعلام کردند: "من شهید از این عمل شما  
در غداست و شما خرج ماهی گوئیم بفرماید  
که باز هم موثریت‌فاد و بالاخره جنازه به روستا  
رسید. مزدوران تصمیم گرفتند که جنازه را  
در مسجد محل دفن کنند، اما خانواده شهید  
مخالفت کردند و جنازه روی دست مردم بطرف  
گورستان برده شد. در بین راه چندین مرتبه  
پاسد اران جلوی مردم را گرفتند که اثر هرچه  
از بلندگو گفته می‌شود نگویند چنین و چنان  
می‌کنیم ولی باز هم بجز چند نفر از عوامل  
خودشان کسی گوشه‌ی ده‌کار نبود. آنها که  
همه فتنه‌ها ایشان را تشویق برای دیدن اعلام  
کردند که مراسم کبیل در خانه شهید  
برگزار میشود. در دست مرفق شروع مراسم

مردم مجلس را ترک کردند و خانه‌هایشان  
رفتند که مزدور سرانجه و خشکی روی  
خانواده شهید کرده و گفت "این چه وضعی  
است آبروی ما رفت" و به یکی از مزدوران  
دیگر گفت: "اگر دعا شروع کنید همین چند  
تفرهم مکنی است بفرماید" و بدین ترتیب  
دعای کبیل هم برگزار نشد و همین  
در روز سوم و غیر اخوند از طرف بنیان  
شهید به روستا آمدند تا کاری را که سایر  
مزدوران نتوانستند بکنند آنها انجام دهند.  
مراسم به‌زار شهید انجام شد و اخوند ها پس  
از ساختها انتظار دیدن سخنرانی روستا را  
ترک کردند و دیگر هیچ یک از مزدوران نه  
تنها یادی از این سرباز شهید نکردند،  
بلکه در شب عاشورا که قرار بود دست سیند  
زنی از روستای محاور بخانه شهید برود  
توأم رژیم با این عنوان که "عزاد آری انب  
مربوطه او نیست" مانعت کردند. با وجود  
این، مردم در آخر وقت دست‌سینه‌زنی را هم  
بخانه آنها کردند و بار دیگر جدایی راه  
حکومت سرمایه‌داران از منافع توده‌های  
زحمتکش را آشکار ساختند.

اتحاد نمایان سروری

به از این هفته انجمن اسلامی نتوانست  
کاری از پیش ببرد. اما کارگران نتوانستند با  
اعتصاب یکپارچه خویش در روشنفکر متوالی  
محمد زاده رابعه قب نشینی وادار کرده و کار  
اخراج شده راه‌سرایان بگردانند. ایس  
حزوت بخوبی نشان داد که کارگران تنها با  
اتحاد مبارزات متحدانه خود می‌توانند هر  
تعمیری را که در تعداد با منافع باقیه کارگرانشان  
در پیشکنند.

پس از این اعتصاب و مراجعات مکرر  
انفرادی و جمعی کارگران برای افزایش  
در دستور، مدیریت به این خیال خام که  
توانند حرکات کارگران را کنترل کنند اعتصاب  
کرد که کارگران برای حل مشکلات خود از  
سرتمسب بیشتر رایعنوان خیانت رابعه قب  
مدیریت یا شورای حل اختلاف انتخاب کنند  
تا برای حل مشکلات کارگران با خیانت مدیره  
تبادل نظر کنند. این کار انجام پذیرفت و  
از هر قسمت یک نفر انتخاب شد و در جلسه‌ای  
با اعیان مدیره شرکت کرد. مسائل کارگران را  
مطرح نمود. مدیریت پیشنهاد کرد کسانی که  
از قسمتها انتخاب شده‌اند و نفر را از میان  
خود انتخاب کنند تا به اتفاق و نفر از اعضا  
هیات مدیره و یک نفر از انجمن اسلامی  
بر سر مشکلات کارگری تصمیم‌گیری کنند. این  
مورد از طرف کارگران قبول نشد زیرا که عملاً  
سببوته آراء یا نتیجه بیشتر انجمن اسلامی  
در صورتیکه کارگران موضع واحد بهم داشته  
باشند باره نتایج بدیاد مدیریت می‌باشد.

این حرکت کارگران متجربه نشان می‌دهد  
که از نظر انجمن اسلامی حافظ منافع  
سرمایه‌داران و دولت هستند و بعد از  
جلسات متوالی بالاخره به هیات مدیره تبدیل  
شد که نتیجه بصورت زیر جمع بندی شود:

یک نفر از هیات مدیره، یک نفر از انجمن  
اسلامی، ۳ نفر از کارگران، نمایندگانی  
انتخاب شده توسط کارگران (شورای حل  
اختلاف) جلسه‌ای با هیات مدیره داشتند.  
در این جلسه نمایندگانی کارگران خواسته‌های  
خود را مطرح کردند از جمله افزایش دستمزد،  
خاتمه دادن به اخراجهای بی‌دلیل، ترک  
تاری‌های مدیریت بر سر مسائل مانند وقت  
دای، اجران طرح طبقه‌بندی مشاغل و...  
از نظر معلوم مدیریت باین اقتضای بخواسته  
های کارگران سعی در سرکوب کارگران داشت  
نمایندگان مسائل طرح شده و موضع مدیریت  
راه‌آنها کارگران رساندند. کارگران نیز با  
توقف تولید و اعتصاب یکپارچه دست از کار  
کشیدند. مدیریت از این اعتصاب غیرمنتظره  
به‌جراست افتاد و فوراً "اطلاعیان به این مضمون  
ساز کرد". در روز سه‌شنبه جلسه‌ای با  
حضور نمایندگانی تشکیل می‌شود و در روز چهارم  
شنبه هیات مدیره در مجمع عمومی که برگزار  
سواستند موانع مدیریت را برای کارگران

روزن می‌ناید (این اعتصاب یک ساعت  
نیست بطول انجامید).

در روز سه‌شنبه ۱۳/۸/۶۳ غلبه  
قرارهای قبلی با مدیریت از دست چلسه ب  
نمایندگان سرانزاد بر سر کار از تشکیل  
جلسه خودداری نکرد و نمایندگان و مدیریت  
نوبت راه‌آنها کارگران رساندند چیزی نشدند  
که مجدداً تولید متوقف شد و اعتصاب یکپارچه  
کارگران شروع کردید. بعد از گذشت یک  
ساعت مدیریت اعلام کرد نمایندگان برای طرح  
خواسته‌ها به اتاق مدیریت مراجعه کنند.  
بذاکرات از روز سه‌شنبه تا پایان روز چهارشنبه  
ادامه داشت. ادامه آن هر روز سه‌شنبه ۱۳/۸/۶۳  
موقوف شد. اتحاد نمایان پیروزی است.

کارگاه سردا لکتر و شکا  
مختاری

بعد از اعتراض کارگران جهت افزایش  
حقوق و صاحب کارخانه گفته بود که "ما طبق  
یک برنامه ژاپنی بشماره ۱۱ ماه کار می‌کنیم  
۱۴ ماه حقوق پرداخت می‌کنیم" و ماههای آن  
رانیزیک هم رماه و دینوری اسفند ماه اعلام  
کرده بودند. با پایان گرفتن مهرماه ۱۳/۲/۶۳  
کارگران نیز انتظار داشتند که یک ماه اضافه  
حقوق بدهد داد شده را بگیرند. اما وقتی  
برای دریافت حقوق مراجعه کردند متوجه  
شدند که طبق معمول فقط حقوق همان ماه  
را دادند و در جواب کارگران که جواب کرده  
بودند بهانه آوردند که اجناسی فرستاده  
و این در حالی است که کارگران دست به یک  
کم‌کاری بی‌سابقه زدند. بطوریکه تولید  
کارخانه از حدود ۷۰۰ برود در روز به ۳۸۰ برود  
در روز رسید و است.

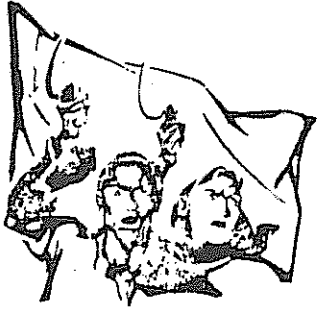
تولسداری

داشتند و هم خوب کار  
کرده بودند! این عنوان که مبلغ آن ۵۰۰  
تومان در ماه میباشد دریافت نکردند و بران  
آنکه صد ایشان در باید یک ابرع ۱۰۰  
تومان افزایش حقوق تشویقی داده شد تا  
ساکشان کند ولی کارگران ساعت نشنستند  
و مدام بعد بران و سرپرستم اعتراض میکردند  
به همین دلیل در دارخانه پر اخت ایس  
غشایها در وسط شرکت طرح شده تا در  
مورد کارگرانی که اعتراض دارند تصمیم‌گیری  
شود. در همین ماه برای مدیران نیز با نامه  
حقوقی‌های از ۴۰۰۰ تومان تا ۶۰۰۰ تومان  
در ماه آمده است. به بیشترین رقم ۸۶۰۰ -  
تومان به مدیران شرکت تعیین کرد. نه‌های  
مساله خشم و تفرار کارگران را برانگیخته است.

برای برقراری صلحی دمکراتیک، جنگ ارتجاعی را به جنگ داخلی  
علیه رژیم تبدیل کنیم

# علائق

## روز دانشجو گرامی باد!



کوارشهای روستائی

### یک اعتصاب چندساعته هم میتواند موفقیت آمیز باشد.

پارس متال

### افزای - روستای خمیران

چند سال پیش، وقتی چند پاسدار ارتقا در جبهه های جنگ ارتجاعی کشته می شدند، رژیم جنایتکار خمینی می توانست با به راه انداختن مارش و تشبیه جنازه مفصل و سخنرانی های پر اب و تاب مردم را تسبیح کرده و آنها را به سود سیاست های ارتجاعی و ضد مردمی حویله بفریبد.

اما امروز بین از هر زمان دیگر، جبهه کربه این رژیم سرمایه داری و جنایت هایش در پیش چشم مردم آشکار شده است. اکنون کترکسی است که نه اند رژیم خمینی یک رژیم سرمایه اری است و سیاست هایش ضد مردم است و همه فقر و بقیه در صفحه ۳

ساعت ۳ مدیروز ما بسموله آمده و کارگران دور اوری میزند بخواسنه خود را متحرک می کنند. اونیز جواب می دهیم که بعلت بد است پول و وزارت در ارتجاعی حساب مانگی ما را بسته است و ما با مشک روبرو هستیم. کارگران تحت ما اجاره خانه سید هم و خن زندگی زیاد است باید بگویم پولمان را بدید. مدیروز ما در جواب گفت البته بعد از نقر این پیوز را بدید و هر کس که بجهت مریس خود یا عقد خانه اش در حال خراب شدن باشد می تواند پول بگیرد. کارگران گفتند ما نمی توانیم سپر کنیم چه بیان مریس شویم. مدیروز ما قول داد که تا آخر هفته آینده پول بداند شود و ساعت ۵/۳ بعد از ظهر کارگران به سر کار رفتند ولی همگی می گفتند که مدیروز ما عمل گفته است فردا پول می دهیم.

روز بعد کارگران شیفت "آ" در دست به حرکتی نزدیک ولی کارگران شیفت "ب" که سرنگار می آیند دوباره اجازت اجازت مدیروز تولید ایستاده بی گویند امروز باید پول بدید. مهندس میگوید می گوید من این ماه حقوق نمی گیرم و این ۱۰ هزار تومان را بچند نفر که احتیاج دارند بدید و کارگران میگویند با این پول ها بقیه در صفحه ۳

در هفته آخر مهرماه کارگران قسمت تولید، متوجه میشوند که در روزهای گذشته بعد از نقر، بقیه پول تا مین منافی را بداند (در شهر پیورماه در وزارت تومان علی الحساب بابت تا مین منافی ۶ ماهه اول برداشته شده بود) و مهندس در تولید گفته است روزانه به ۶ نفر این پول پرداخت خواهد شد و به ایس منفور لیستی تهیه کرده و حدود ۲۰۰ نفر در آن نوبت گرفته اند.

در ساعت ۱۲ ابتدا چند نفر از یک قسمت و بعد کلیه قسمت های سالن تولید شیفت "آ" برای اعتراض به این عمل دست از کار کشید و به طرف قسمت اداری حرکت می کنند و میخواهند که با مهندس در تولید صحبت کنند. مهندس در تولید بجهت آنها آمده و میگوید کارخانه پول ندارد و ما نمیتوانیم بجا این پول را پرداخت کنیم به این دلیل مجبوریم به مرور این کار را انجام دهیم. کارگران با تصانیب میگویند: این کار درست نیست، چرا بنور چشمی شما پول را بدید و اصل چرا پول ندارید. ما که اینهمه تولید می کنیم پس پول آنها چه میشود. شما در روز می گویند، خودتان در دست هستید. ساعت ۲ بعد از ظهر کارگران شیفت "ب" حای کارگران شیفت "آ" را می گیرند و در

### سیاهی پرچهره جلاد مغول ماندگار است

یاد داره مدیروز استخدا ام کرد و ما که هر بار به امله کوتاهی و حتی شبانه نقاشی خیر می کنند تا سباهی های رنگش (ننگ) را از چهره شان پاک کنند. ولی خود بیگانه نند. یارتک پاک نمی شود و سپهره نشین این جنایتکار نیز پس از بارها پاکسازی و امتحان خمیر از سیاهن جنایت پاک نشده است. اشار کثیر در چشم روی صورت ما آتاکاملا پیدا است!

اوایل آذرماه در انتهای خیابان هاشمی روی دیوار فرودگاه مهرآباد، چندین پیشتر عسر تمام رنگی بزرگی از فرسنگانی جنایتکار کشیده اند. تاکنون این عکس چندین بار توسط مردم خراب شده و رویش رنگ پاشیده شده ولی گویا این روزها سران جنایتکار رژیم علاوه بر اینکه برای حفاظت از وجود نشین خود شان یک هندک مزدور و پاسدار از ایدر کرد مانده، برای حفاظت از تمثال های نامبارکشان در کوجه و خیابان نیز

### رادایو صدای فدائی

صدای رسای کارگران و زحمتکش  
برنامه های عادی خود را آغاز نموده است.

### رادایو صدای فدائی

امواج کوتاه ۶۵ متر  
۷۵ متر

۵ ارا - ۳۰ ارا شب

۵ ارا - ۳۰ ارا اظهر

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی - برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق